

در باره گسترش خشونت علیه زنان در پاندمی کرونا

مصاحبه با تی وی پرتو

صفحه ۴

پروین کابلی

پاندمیک ویروس کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی

قسمت دوم

صفحه ۶

جمال کمانگر

مروری بر هشت مارس امسال:

علیه بی عدالتی، خشونت و تجاوز

صفحه ۷

هاله طاهری

زندانیان و مردم

صفحه ۹

سیوان کریمی

حق معیشت

وظیفه دولت در تامین نیازهای پایه ای ساکنین جامعه

صفحه ۱۰

نادر شریفی

در باره تنش دولتهای آمریکا و جمهوری اسلامی

صفحه ۱۲

سیاوش دانشور

دولت را
موظف کنیم!

علیه قتل عام زندانیان
در زندانهای اهواز وسیعاً
اعتراض کنیم!

شورش در زندانها
زندانیان باید فوراً و
بدون تعلل آزاد شوند!

۵۳۷

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۱۵ فروردین ۱۳۹۹ - ۳ آوریل ۲۰۲۰

نهادهای همیاری

نکاتی در باره سبک کار

ما همواره گفته ایم که جامعه خودکشی نمیکند، هیچ جامعه ای بدون جنگ تسلیم نمی شود. این خصوصیت در آزادمندی ما، در انسان بودن ما بعنوان موجودی اجتماعی ریشه دارد. تردیدی نیست که ما از انسان انتزاعی سخن نمی گوئیم، هویت عام انسانی در جامعه طبقاتی، همواره خود را در هویت خاص طبقاتی، در موقعیت های اقتصادی و طبقاتی متمایز بیان میکند. هویت عام انسانی ما زیر خرواری از خرافات و زنجیرها مدفون و اسیر است. ما بعنوان کمونیست میخواهیم انسانیت انسان را احیا کنیم. کمونیسم جنبشی برای بازگرداندن اختیار به انسان است. و این بدون واژگونی قهرآمیز و الغای مناسبات و نظم کنونی مبتنی بر طبقات، بدون یک نبرد سهمگین سیاسی و طبقاتی، بدون یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی ممکن نیست. آزادی انسان تنها در جامعه ای میتواند محقق شود که تماماً براساس رفع نیاز انسان، چه در ظرفیت فردی و چه در ظرفیت جمعی، بنا شده است.

لذا ما در جامعه طبقاتی و در شرایط کنونی پدیده ای در حال گذاریم. باورها و سیاست کمونیستی داریم اما تماماً از سلطه افکار و قوانین حاکم در جوامع کنونی منفک نشده ایم. در این هوا تنفس میکنیم و همواره متأثر از خرافات و رقابتها و ارزشهای این جامعه ایم. ما اگر اسیر خودپسندی، صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نهادهای همیاری

نکاتی در باره سبک کار ...

خودمحوری، برتری جوئی و رقابتهای مبتذل نشده باشیم، اگر آنچه را که برای خود میخواهیم برای دیگران هم بخواهیم، آنوقت همبستگی انسانی یک مشخصه ماست. حقیقت جوئی و انصاف رکن اساسی کار ماست. نوع دوستی یک خصلت مُمیزه ماست. بعبارت دیگر، مستقل از اینکه بازار و دنیای سرمایه و مذهب و جهالت های فکری و فرهنگی جامعه طبقاتی چه به روز ما آورده و می آورد، این سوسیالیسم ماست که نیاز به همدیگر را حس میکنیم، این سوسیالیسم ماست که دست همدیگر را میگیریم، این سوسیالیسم ماست که پشت همدیگر را خالی نمیکنیم، این سوسیالیسم ماست که در اوضاع سخت آستین ها را برای فداکاری و همبستگی و همیاری بالا میزنیم.

بورژوازی هم فاند های خیریه کم ندارد، مذاهب هم صندوقهای خریدن افراد و اجیر کردن محرومان کم ندارند، شیوخ و مرتجعین هم قوانین نذورات و خیرات کم ندارند. و همه اینها برای بزک کردن آن چهره کثیف استثمارگر، بیرحم و ضد انسانی بورژوازی است. همبستگی کارگران و نوع دوستی بشریت آزادیخواه اما پدیده ای تماماً متمایز است، این حاصل هویت اجتماعی و انسانی ماست، میراث تاریخ مبارزه نسلهای مُتمادی طبقه ماست، در نیاز مُبرم وضعیت کنونی ما ریشه دارد و به نبردهای فردای ما خدمت میکند. این جوهره انسانگرایی سوسیالیستی ماست.

سازمان شورائی

ما در جامعه و در زندگی واقعی سازمان یافته ایم، در اقتصاد، در تقسیم کار، در جامعه، در نبرد اجتماعی. جامعه با همه ما و با فونکسیونهایش معنی دارد. با ریختن ستونهای جامعه، اجتماع انسانی نیز بی معنی میشود. لذا نسبت به اینکه کجا قرار داریم، چه هدفی را دنبال میکنیم، در چه موقعیت اقتصادی هستیم، سازمان متناسب را پیدا میکنیم. اگر کارگران و محرومان هر زمان که میخواهند مقدراتشان را بدست گیرند بیدرنگ شورا تشکیل میدهند، یا شکلی از سازمان شورائی را ایجاد میکنند، این نه از ایده مُجرد بلکه از نیاز واقعی و اهدافشان مایه میگردد. بعبارت دیگر آن سازمان شورائی با آن اهداف انطباق دارد. اگر بخواهیم به چند ریش سفید وکالت بدهیم که برایمان تصمیم بگیرند، نیاز به شورا نداریم. اما اگر میخواهیم بطور مستمر و مستقیم در امورمان دخالت کنیم، تصمیم بگیریم و اجرا کنیم، آنوقت شورا میخواهیم، سبک کار شورائی نیاز داریم. حتی اگر بجای شورا نهادهای محدودتری را تشکیل داده ایم روش کار شورائی را بر کارمان ناظر میکنیم. این یک سنت است که بقول اسماعیل بخشی نازنین باید "آن را زندگی کنیم". شورا در تجربه تاریخی، چه بسا در اشکال مختلف و شرایطهای متفاوت، توسط کارگران و توده مردم اتخاذ شده، ارتقا یافته و به یک سنت مبارزاتی و ریشه دار متحول شده است.

نهادهای همیاری

امروز به وسعت ایران در شهر و روستا و در محلات مختلف، هرچند هنوز پراکنده، نهادهائی برای همیاری و همبستگی شکل گرفته اند. اسامی مختلفی از جمله کمیته های محلات، نهادهای مردمی، انجمن، کمپین، شورای مردمی، شورای نهادهای مدنی و ... استفاده

میشوند. اسامی شاید فی البداهه انتخاب شدند و شاید به سنتهایی ارجاع میکنند. مسئله اساسی اما هدف اجتماعی آنهاست که مشترک است: یعنی از زندگی دفاع کردن و بداد مردم بیدفاع رسیدن. موضوع اینست که دولت هیچ مسئولیتی نپذیرفته است، روی ثروتهای جامعه چنگ انداخته اما در وسط یک بحران حاد مردم را به حال خود رها کرده است. جامعه از این حکومت تجارب تلخ دارد، میداند یک مشت دزد و شیاد و قاتل حرفه ای اند. میداند که در وسط بدبختی و مصیبت مردم محروم بفکر پر کردن جیب گشادشان و کلاهبرداری و احتکار و چاپیدن آخرین قطره های خون مردم هستند. این حکومت بخشی از جامعه را با فرهنگ خودش بار آورده، بخشی را آلوده کرده، هوایشان را دارد و در رذالت و پستی خویش شریک کرده است. جالب است میان اینان نیز "همیاری" دیده میشود. از آخوند مفتخور تا سلبریتی که زیر سایه کرنش به این جنایتکاران ارتزاق میکند، از سلفی تا بازاری منتظر رفتن به مجلس میخواهد دستی بر آتش داشته باشد. حکومت از خود سلب مسئولیت کرده و مردم در گوشه و کنار هر کسی کاری میکند تا سقف روی سر همه فرو نریزد.

نباید دچار اشتباه شد و نباید پاپس کشید. "هر گردی گردو نیست"، اینها یک پدیده نیستند و اهداف یکسانی ندارند. جنبشهایی ارتجاعی که شناخته شده هستند و همواره در مقابل محرومان و کارگران ایستادند و در کنار حکومتی ها و ارتجاع پرسه زدند، تلاش میکنند برای بعد از کرونا آماده شوند. در مقابل خیل وسیع مردم کارگر و زحمتکش، فعالین سیاسی و اجتماعی، انسانهای شریف و دوست داشتنی، زنان و مردان و جوانان انقلابی، تلاش میکنند کار دیگری بکنند و آنها هم باید برای بعد از کرونا آماده شوند. این طیف دقیقاً میخواهد مردم محروم را در ایندوره تنها نگذارد، بدادشان برسد، بر فضای رقابت و فساد و بازاریابی حضرات دسته اول فائق بیاید، از امکانات واقعی و علمی و پزشکی و مادی استفاده کند و نگذارد حداقل امکان کسی گرسنه بماند، کسی در تنهایی جان دهد، نگذارد پیرانمان جان بدهند و کودکانمان مریض شوند. اینها میخواهند روح همبستگی را همه جا تسری دهند، اینها کارهایی را پیش میبرند یا باید پیش ببرند که همه میتوانند انجام دهند و همه از آن لذت میبرند. کارهایی که الیستی نیستند، هر داوطلبی را میتوان با درجه ای آموزش در آن شریک کرد و سازمان داد، اینها نه الیت اند نه سلبریتی، نه دنبال شهرت اند نه منافع خاصی را دنبال میکنند، اینها انسانهای واقعی برای امور واقعی زندگی اند، همانطور که هست. از خودشان مایه میگذارند و این انتظار را جاری میکنند که به فکر بغل دستی نبودن عار است، زشت است، درست نیست، اخلاقی نیست، اصولی نیست، انسانی نیست. اینها عمیق ترین سوسیالیست ها هستند که بین مردم وحدت ایجاد میکنند و نوع دوستی را تقویت میکنند.

در عین حال این طیف دولت را بحال خود نمی گذارند.

بیزنس من‌هائی را در بیمارستانها داریم که بعنوان مثال کمکهای مردمی برای تهیه لباس و ایمنی کادر درمانی را بالا میکشد. درست در زمانی که کادر درمان باید مورد بیشترین حمایت قرار گیرند، کسانی پیدا میشوند که انبار کمکهای دریافتی غیر دولتی را خالی میکنند و در بازار میفروشند! کار این افراد حکومتی شبیه فعالیت جاسوسی و خرابکارانه در زمان جنگ به نفع دشمن است.

نهادهای همیاری و شبکه این نهادها باید قوام یابند، تجارب را اخذ و درونی کنند، عملاً به یک شبکه قدرتمند و دارای توانمندی و سازماندهی اقدام مشترک بدل شوند. کار این شبکه امروز همینهاست که انجام میدهد، نباید بار اضافی روی دوش آن گذاشت. هر نهادی مختص یک کاری است و کار امروز روشن است. اما همیستگي ایجاد شده، تجربه ای که کسب شده، شبکه ای که در سطح شهر و در محلات توانسته تقسیم کاری را مطابق اصول ساده و روشنی پیش ببرد و طیف وسیعتری را شریک کند، شبکه ای که توانسته کار را ساده کند، از بورکراسی و حرفهای پیچیده و انتزاعی به عمل مشخص و سازمان یافته و توده ای رو آورد، اینها در اشکال متنوعی میتوانند سازمان شورائی و سبک کار شورائی و زندگی شورائی را تمرین کنند. این شبکه ها میتوانند در چشم اندازی به شورای اداره محلات و مناطق و شهرها متحول شوند اگر تار و پود و اُس و اساس آنها در سطوح پایه به درست و دقیق و واقعی و غیر کاغذی و بدون تمایلات فرقه ای یا الیستی و متکی بر نیازهای واقعی دوره بحران ریخته شده باشد تا بتوان روی آن ساخت. این یک تجربه عملی است و توانائی و عدم توانائی و الگوها را در عمل میتوان دید و قضاوت کرد.

سردبیر.

۳ آوریل ۲۰۲۰

نهادهای همیاری

نکاتی در باره سبک کار ...

موکداً وظیفه دولت را برجسته میکنند و میگویند دولت موظف است در این بحران معیشت مردم را تامین کند، نیازهای بهداشتی و درمانی و دیگر امور زندگی را تامین کند. روحانی غلط میکند اسم خودش را دولت میگذارد و سوت میزند و راه میروند. سازماندهی اعمال فشار به دولت، بسیج وسیع تر افکار عمومی علیه دولت، طرح خواستها و سیاستهای کنکرت برای سلامتی جامعه مانند؛ قرنطینه، تامین ملزومات قرنطینه، آزادی بیدرنگ کلیه زندانیان، توقف کار و پرداخت حقوق ها فوراً، کاهش ساعات کار در بخشهای اورژانس و ضروری و غیره، اینها سیاستهای اساسی هستند که در کنار "نهادهای همیاری" باید همزمان پیش برده شوند.

این نهادها در عین حال ضروری است از سازمان شبکه ای خود بهترین استفاده را برای برگزاری مجمع عمومی ها، اولویت بندی و طبقه بندی وظایف، تخصیص امکانات و انتقال تجارب بکنند. استفاده از پرستاران و پزشکان و دانشجویان پزشکی در تهیه وسایل بهداشتی و رعایت استانداردها، ارتقای مرتب علمی و فنی اقدامات و فعالیت به شیوه ای مدرن بسیار ضروری هستند. همینطور انتشار گزارش از کمکهای دریافتی، تخصیص کمکها، طرح نیازها ضروری است. افشای بالا کشیدن کمکها توسط پرسنل حکومتی و بیمارستانی که مواردی از آن گزارش شده است ضروری است. بگذارید همه بدانند که

دولت را موظف کنیم!

- بیدرنگ شهرها و مناطق بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای درمانی، بهداشتی، معیشتی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفتی با کاهش ساعات کار تضمین شود!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- کودکان کار و خیابان، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- لغو پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران!
- لغو پرداخت بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی!

در باره گسترش خشونت علیه زنان در

پاندمی کرونا

مصاحبه با تی وی پرتو



خود را از دست می‌دهند. و بعدش هم دیگر روشن است، خشونت علیه هم‌دیگر. خشونت زن و مرد علیه کودک یا مرد علیه زن یا برعکس. استفاده از قدرت فیزیکی و یا اعمال خشونت کلامی و غیره. فرار و یا رفتن از خانه نیز در شرایط کنونی بسیار مشکلتر از قبل است. بسیاری از نهادهای کمک به زنان دچار

مشکل شده‌اند. راه‌های جدید باید یافت. دولت آلمان در چند شهر هتل‌ها را به محل اسکان زنان تبدیل نموده است. اگر قرنطینه‌ها ادامه پیدا کند که به نظر میرسد فعلاً مدتی ادامه دارد، در نتیجه ما با خشونت‌های مہار نشدنی بر علیه زنان و کودکان مواجه خواهیم شد. موجی از خشونت و حتی قتل زنان میتواند حاصل این اوضاع ویژه باشد.

تی وی پرتو: با توجه به این شرایط چه باید کرد؟

پروین کابلی: آنچه که برای من در وهله اول اهمیت دارد این است که باید از هم اکنون در این مورد هشدار داد. ما بارقه‌های شروع این موج از خشونت را هم اکنون می‌بینیم. باید بگویم که عواقب این استرسی که اکنون دچار جامعه بشری شده است نباید به قیمت جان زنان تمام شود. خود پدیده کرونا جان میلیون‌ها میلیون انسان را در خطر جدی مرگ قرار داده است. در کنار این اگر با افزایش خشونت به زنان هم مواجه شویم در خود میتواند به یک فاجعه اجتماعی دیگری هم دامن بزند. در بعضی از کشورها راه‌هایی برای مقابله با خشونت زنان وجود دارد. ایران وضعیت ویژه‌ای دارد. در ایران یک رژیم ضد زن با قوانین آپارتاید جنسی حاکم است و خود یک عامل تشدید خشونت علیه زنان میباشد. دوره قرنطینه میتواند طولانی باشد و تعدادی از مردم از چندین هفته پیش خود را قرنطینه کرده‌اند. وضعیت آشفته‌ای در میان مردم وجود دارد. بیکاری در حال گسترش بیشتری است و یا مردم درآمد خود را از دست داده‌اند. اینها همه زمینه‌تشن و خشونت را فراهم میکنند. باید در وهله اول به نهادهای همیاری مردمی، اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری، معلمان، بازنشستگی، دانشجویان که همیشه در صفوف مقدم مبارزه بر علیه وضع موجود بوده‌اند فراخوان داد که این موضوع را در دستور کار خود قرار دهند. باید خطری که بالای سر جامعه هست را گوشزد کرد. دولت‌ها موظف هستند که سلامتی جسمی و روانی انسانها را تضمین کنند.

در کانالهای سوشیال مدیا باید هشدار داد. به زنان فراخوان "سکوت نکنید" را داد و گفت که از خشونت‌هایی که دچار میشوید دیگران را مطلع کنید. همسایه و فامیل و شبکه‌هایی که در ارتباط هستید را خبردار کنید. سکوت به معنی ادامه این وضعیت است. اینجا اضافه میکنم که خشونت فقط توسط مرد علیه زن صورت نمی‌گیرد، هرچند نرم اینست، اما خشونت زن علیه مرد هم وجود دارد. خشونت قویتر از لحاظ جسمی علیه ضعیف‌تر از لحاظ فیزیکی در خانواده همیشه بوده است. کودکان به حمایت وسیع‌تری نیاز دارند.

غیر از خشونت‌های مسایل دیگری زنان را مورد تهدید قرار میدهد. زنان در شرایطی که جامعه در یک بحران جدی قرار دارد نباید

تی وی پرتو: چند هفته‌ای که از شیوع کرونا می‌گذرد و همه گیر شدن آن در دنیا، در کشورهایی که آمارهای وضعیت اجتماعی را سریع پخش میکنند، آمارها نشان از افزایش خشونت علیه زنان است. این مشاهده در کشورهای غربی مثل آمریکا، بریتانیا، آلمان و بخش‌ها در سوئد یک روند رو به رشد خشونت علیه زنان را نشان میدهد. از نظر شما دلیل این امر چیست؟

پروین کابلی: در مورد افزایش خشونت علیه زنان در این شرایط ویژه باید بگویم این پاندمی یک ویژگی خاص و جدیدی را در زندگی انسانها ایجاد کرده است. نتیجه این اوضاع در زندگی و رفتار انسانها تغییراتی جدی را باعث میشود و بدون شک جامعه و شیوه زندگی افراد در طول و بعد از طی شدن این دوره تغییر خواهد نمود. چه میشود، بسیار مشکل است الان گفت. اما هم اکنون آمار و ارقام منتشر شده نشان میدهد که خشونت علیه زنان در طول قرنطینه شدن خانواده‌ها در حال افزایش میباشد. از قرنطینه بعنوان یک شیوه در بسیاری از کشورها برای جلوگیری از انتقال این بیماری به افراد دیگر استفاده میشود. در قرنطینه انسانها در شرایط خاصی قرار می‌گیرند. اخبار منتشر شده از طرف سازمانهای زنان در کشورهایی مثل بریتانیا، اسپانیا، آمریکا نشان از افزایش خشونت علیه زنان است. در آلمان صحبت از یک افزایش چند درصدی میباشد. وزیر امور خانواده بلافاصله به فکر اسکان زنان فراری از خانه‌هایشان افتاده است. چرا در چنین شرایطی که بقای بشر به یک سوال جدی تبدیل شده است خشونت علیه زنان بالا می‌گیرد؟ این مسئله را باید به این صورت جواب داد که زنان در یک جامعه نابرابر همیشه موقعیت شکننده‌ای دارند. درست مثل اینکه برای جلوگیری از گسترش ویروس کرونا می‌گویند کسانی که مریضی ویژه‌ای دارند و یا بالای ۷۰ سال هستند در خطر بیشتری قرار دارند باید قرنطینه شوند. حتی به عیادتشان نروید. کودکان و همینطور زنان در چهارچوب جامعه کنونی و طبعاً خانواده و فرهنگ حاکم هم در چنین وضعیتی قرار دارند. خودشان ضعیف نیستند اما قانون و مناسبات آنها را به "حلقه ضعیف جامعه" بدل کرده است. مثلاً در جنگ‌ها زنان مورد تهاجم بیشتری قرار می‌گیرند. بخاطر همین آسیب‌پذیری بیشتر قربانی میشوند. باید توجه داشته باشیم که بحث اپیدمیهای جهانی مدتی است که وجود دارد. اینکه دولت‌ها در این مورد اقدام چندانی نکرده‌اند و جامعه را برای آن آماده نموده‌اند بحث دیگری است.

اما اکنون یک خانواده‌ی چند نفری را در نظر بگیرید که در یک آپارتمان کوچک و محدود قرار است با کودکان و بزرگسالان مدتی را باهم بگذرانند. خود این شرایط جسم و روان انسانها را از بالانس خارج میکند. تنش ایجاد میکند. اکثریت مردم دنیا گنجایش محل زندگی‌شان کم است. امکانات کافی ندارند. بعد از چند هفته بالانس روانی و جسمی

در باره گسترش خشونت علیه زنان در

پاندمی کرونا ...

از دسترسی به درمان ویژه بیماریهای زنانه محروم شوند. امروزه زنان بسیاری سرپرست خانواده های خود هستند. زنانی که حامله هستند و یا دوران نقاهت بعد از زایمان را میگذرانند ممکن است دچار مشکلات جدی عفونی شوند. باید راههای دسترسی به بهداشت و درمان را تسهیل کرد. یا مادرانی که به کودکانشان شیر میدهند. همه این ویژگیها در شرایط غیرمعارف کنونی را نباید از یاد برد و یا مسئولین را وادار به قابل دسترس نمودن به درمان برای همه آحاد جامعه نمود. همانطور که گفتیم باید نهادهای مردمی و اتحادیه ها را متوجه این امر مهم نمود. رژیم آپارتاید جنسی اسلامی خود یک مانع جدی در مقابل زنان و دسترسی آنها به امکانات اجتماعی بوده و هست. نباید در این شرایط ویژه این موقعیت ناامن زنان را دو چندان نمود. باید شبکه های مردمی را برای خبر رسانی و کمک به زنان سازمان داد. از کانالهای تلگرامی و مدیای اجتماعی که بسیاری عضو آن هستند کمک گرفت.

نباید با سکوت دامنه خشونت جنسی و فیزیکی و روانی را گسترش داد. این دوره ویژه کرونا میتواند دوره ای طولانی باشد. باید زنانی که مورد خشونت قرار میگیرند بهر وسیله ای که برایشان امکان دارد صدایشان را بگوش دوستان و فامیل و جامعه برسانند. سکوت میتواند مرگ را به دنبال داشته باشد. در تعدادی از شهرها و محلات کمیته های امداد جوانان تشکیل شده است. این کمیته ها باید بتوانند امکاناتشان را بسنجند و ببینند چه کاری میتوانند در این مورد انجام بدهند. سازمان دادن همیاری و دخالت مردم یک عامل مهم میتواند در مقابله با خشونت علیه زنان باشد.

مردم آزادیخواه سقز و مهاباد

از زندانیان فراری حمایت کنید!

زندانیان برای نجات جان خود از خطر بیماری کرونا شورش و از زندان فرار کرده اند. شکستن زندانها بعنوان مراکز قدرت رژیم اسلامی اتفاق مهمی است. این یک شاخص استیصال کامل نظام اسلامی است. به هر طریقی که میتوانید با تمام توان به این زندانیان کمک کنید. نگذارید جمهوری اسلامی زندانیان فراری را دستگیر و مجدداً زندانی کند. زندانیان حق دارند فرار کنند، حق دارند سالم بمانند، از زندانیان فراری حمایت کنید!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ فروردین ۱۳۹۹

آخوندها و تجار دین را از

محیط زندگی تان بیرون کنید!

همیاری انسانی را گسترش دهیم!

زنان و مردان آزادیخواه، جوانان انقلابی، انساندوستان! دست همدیگر را بگیریم. به شیوه های ایمن ابتکارات مختلف را بکار گیریم. کودکان کار، بی مسکنان، حاشیه نشینان، محرومان، سالخوردگان، بیماران، معتادین و کسانی که قربانیان این نظامند، بیش از بقیه نیازمند دست یاری هستند. از نیاز به وسائل بهداشتی و غذا و لباس تا جایی برای آرمیدن. همیاری انسانی را گسترش دهیم. اینروزها تعیین کننده اند. همه میخواهند زندگی کنند. من، تو، ما، میخواهیم زنده بمانیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸



وضع متحدان اصلی آمریکا هم از لحاظ سهمشان از اقتصاد جهانی در چند دهه گذشته بشدت تغییر کرده است. سهم اتحادیه اروپا از اقتصاد جهانی از ۳۷ درصد به ۱۵ درصد و ژاپن از ۱۰ درصد به ۵ درصد رسیده است. طبق آماري که از بنگاههای اقتصادی اروپا منتشر شده است با توقف بخشهای اقتصادی فروش، توریسم، خدمات و غیره، برای یک ماه و بیشتر رشد منفی ده درصدی را به ارمغان خواهد آورد.

طبیعی است زمانی که ابرقدرتی مثل آمریکا اقتصادش در حال افول است و اشتباهی برای رهبری بلوک سنتی غرب را در حادثه بحران مرگ و زندگی از خود نشان نمیدهد، جهان غرب را با سردرگمی بیشتر و گرایش به "دولتهای ملی" و خروج از اتحادیه های بزرگتر نشان میدهد. هر چند خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا قبل از پاندمیک کرونا بود اما نشان تشنت و پراکنده شدن یکی از بلوکهای قدرتمند سرمایه در قرن بیست و یکم است. در مقابل آمریکا این دولت چین است که با آهنگ پیوسته رشد اقتصادی از سهم ۲ درصدی در اقتصاد جهانی در چند دهه گذشته به حدود ۲۲ درصد در سه سال آینده دست خواهد یافت و به عنوان یک قدرت بلامنازع اقتصادی و در چشم اندازی دورتر نظامی و تکنولوژیک مطرح خواهد شد.

پاندمیک کرونا بحرانهای جاری و رقابتهای لاینحل سرمایه داری را شتاب داده است و ناتوانی و غیر کارا بودن این نظام را بیش از پیش عیان کرده است. این بی افقی و ناتوانی نظام سرمایه داری در دنیای امروز ریشه در کشمکشهای درونی و محدود نگرینهای آن، و مهمتر، در بی ارزش بودن جان انسان در این سیستم دارد که بطور زمختی برای همگان برملا شده است.

ادامه دارد....

پاندمیک ویروس کرونا و دوراهی

نظم نوین جهانی

قسمت دوم

جمال کمانگر

افول جایگاه اقتصادی آمریکا

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم سهم چهل درصدی از اقتصاد جهانی را بر حسب مدل "قدرت برابری خرید" بر اساس تولید ناخالص ملی داشت. افول سهم آمریکا از اقتصاد جهانی از چند دهه گذشته آغاز شده است. قبل از شروع پاندمیک کرونا بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول "قدرت برابری خرید" آمریکا بر اساس تولید ناخالص ملی ۱.۱۴ درصد بوده است. در جریان بحران مالی سال ۲۰۰۸ تزریق صدها میلیارد دلار به بانکها و خرید "سرمایه مالی مضر" بخشی از تمهیدات برای عبور از بحران اقتصادی جهانی، بویژه برای اقتصاد آمریکا بود. بدون پاندمیک کرونا حدود ۱۶ درصد از شرکتهای آمریکایی به "زامبی کمپانی" معروف هستند. این نوع شرکتها در آمدشان برای پوشش سود بدهی های آنها کافی نیست و فقط با قرض بیشتر فعلا سرپا هستند! بیشتر بسته های حمایتی مالی بیش از دو تریلیون دلاری دولت ترامپ به "زامبی کمپانیها" و بازار بورس تزریق میشود. حجم مالی این شرکتها و بازار بورس بیش از ۸۰ درصد اقتصاد آمریکا را تشکیل میدهد.

روز سه شنبه ۳۱ مارس وال استریت با بزرگترین افول در تاریخ چند دهه گذشته مواجه شده است. ارزش بهای بورس "اس اند پی" که شاخص ۵۰۰ کمپانی بزرگ آمریکا را در برمیگیرد به پایین ترین حد خود از سال ۱۹۳۸ رسیده است. از هفته دوم مارس که پاندمیک کرونا در آمریکا گسترش پیدا کرده است تا روز پنجشنبه ۲ آوریل نزدیک ده میلیون نفر به جمع کارگران بیکار در آمریکا اضافه شده است و رسماً درخواست کمک دولتی کرده اند. هنوز تزریق دو تریلیون دلار به بازار بورس و اقتصاد آمریکا نتوانسته است که جلو سیر نزولی بازار بورس و بیکاری عظیمی که در حال رشد است را بگیرد. رئیس صندوق بین المللی پول اعلام کرده است که اقتصاد جهانی وارد رکود بدتر از سال ۲۰۰۸ شده است. برای بازارهای نوظهور بیش از ۵.۲ تریلیون دلار نیاز مالی فوری وجود دارد و هم اکنون ۸۰ کشور جهان در صف متقاضیان وام از صندوق بین المللی پول هستند!

آمارهای فوق برای نشان دادن اوضاع اقتصادی آمریکاست. کوبیدن ترامپ بر پروتکشنیسم و "آمریکا اول" نه با ناسیونالیسم افراطی و نه از سر ضدیتش با جهانی شدن قابل توضیح است، بلکه دلیل اصلی از دست دادن موقعیت ویژه آمریکا از لحاظ اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم است که برای ۷۰ سال، استفاده تبلیغی و سیاسی و دخالتگری نظامی اش را توجیه میکرد! طبیعت اصلی نظام سرمایه داری تلاش برای فتح بازارهای نوظهور است. بنابراین رقابت برای کنترل این بازارها کماکان اولویت دولتهای سرمایه داری جهان خواهد بود.

زنده باد شوراهای!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات

شوراهای را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا

ارگان حاکمیت!



همین جنبشها با براه انداختن جنبشهای "منم هستم"، "هر کسی برای عدالت" * میخوانند مسیر مبارزه برای رسیدن به یک زندگی آزاد و برابر برای زنان و مردان را به بیراهه بکشاند. یکی از ابزارهای گمراه کننده این مدل از جنبشهای سطحی اینست که مبارزات زنان مختص به خودشان و "زنانه" است. قیچی کردن رابطه همبستگی جنبشهای

دیگر در دفاع از جنبش واقعی زنان و به حاشیه راندن حقوق آنها به انواع شگرد و بهانه زیر نام "مینستریم" کردن مسئله زن در دموکراسی غربی امر جدیدی نیست. بیماری که لایه های وسیعی از فمینیستها و چپ اروپا را در خود هضم کرده است. این تحفه آکادمیک از دوران پست مدرنیسم بشدت در غرب بر مبارزه واقعی زنان برای رهایی کامل سایه افکنده است. کمونیستها معتقدند جنبش برابری زن و مرد تنها در سوسیالیسم جواب کامل و جامع خواهد گرفت اما تا آن مقطع همواره برای حقوق شهروندان بویژه زنان در هر سطحی که محتمل بوده تلاش کرده اند. تفاوت ما با انواع مدل گمراه کننده این است که رسیدن به دستاوردهای هر روزه برای ما پایان کار نبوده بلکه تازه شروع آن است. امسال در بطن چنین دنیای وارونه ای، دنیای سرشار از بی عدالتی، جنایات، خشم و جنگ و بیماری همچنان حرکتی جمعی هشت مارس با استقامت و همکاری جنبش زنان و مردم در گوشه و کنار جهان برگزار شد.

درسانتیاگو پایتخت شیلی بزرگترین گردهمایی روز زن در جهان بیش از نیم میلیون زن و مرد در خیابانها با شعار پایان دادن به تجاوز جنسی و خشونت دولتی و خانگی و خواست برابری زن و مرد برگزار شد. تظاهر کنندگان با پلیس درگیر شدند. تعدادی از زنان را بازداشت کردند. زنان برای آزادی دوستانشان بسوی پلیس سنگ پرتاب میکردند. یکی از سخنرانان میگوید: "روز روشن ما را میکشند، به ما تجاوز میکنند، اما هیچ کس کاری نمیکند!"

در برزیل هزاران زن به همراه تشکلهای چپ و کارگری از جمله "جنبش کارگران بی سرزمین" * با اعتراض به نابرابری جنسیتی خواهان برابری زن و مرد در خیابانها رژه رفتند.

در مکزیک تظاهرات هزاران نفره زنان و مردان در اعتراض به کشتار زنان و سیاستهای زن ستیزانه دولت با پلیس درگیر شدند. در پرو تظاهرات هزاران نفره زنان سرخ پوش با شعار برابری و امنیت برای زنان چشمگیر بود.

در فرانسه، بویژه در پاریس هزاران زن و مرد به خیابانها آمدند. س. ژ. ت. یکی از برگزارکنندگان این راهپیمایی با شعار خواست برابری زن و مرد مورد حمایت وسیع مردم در خیابانها قرار گرفت. پلاکاردهایی با پیام "به مبارزه با ویروس مردسالاری ببینید!"، "حقوق زن، بدون هیچ موانع!" توجه میدیا را بخود جلب کرده بود.

در آلمان در اغلب شهرهای بزرگ راهپیمایی های خیابانی

مروری بر هشت مارس امسال:

علیه بی عدالتی، خشونت و تجاوز

هاله طاهری

خشونت خانگی سیستماتیکی در چند دهه اخیر با بقدرت رسیدن حکومتی اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا چند برابر موقعیت زنان را بسوی تباهی و برده داری سوق داده است. قدرتهای اسلامی هر کجا انگل وار تخم و ویروسهای جهل را پراکنده اند، لوحه های قوانین شریعه با بیرق های حجاب زنان را به خانه رانده و خشونت محض براه انداخته اند. در آنسوی دگر از جهان به اصطلاح "دموکراسی غربی" بازپس گیری آخرین دستاوردهای مردم بویژه کارگران و زنان سالهاست در دستور است. عروج صنعت سکس و برده داری مدرن در بازارهای آزاد، محدود کردن امکانات رفاهی و به خانه راندن زنان، بیکاری وسیع، تهدید به اخراجهای جمعی، ممنوعیت اعتصابات و بازگشت به قوانین محیط کار به دورانی که سرمایه داری عربان بیرحمانه بر کرده کارگران میتازید تا به آخر برنامه ریزی شده است. ویرانی ناشی از جنگ ابرقدرتها و کشمکش قبایل اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا مردم را در سطح میلیونی به بیخانمانی کشانده است. از سوی دگر در استان دولتهای غرب و آمریکا برای ایجاد فاجعه مرگهای جمعی مهاجرین و پناهندگان بخاطر سد کردن راه آنها به سرپناهی امن به خون آلوده است.

اما مردم، کارگران و زنان تا کجا میتوانند شاهد نابودی خود باشند؟ حرکات میلیونی و مقاومت چشمگیر مردم اما پیام دیگری برای وضع موجود دارد. از فرانسه تا شیلی، از لبنان و عراق تا افغانستان و ایران نوای اعتراض مردم به تنگ آمده از بیعدالتی و گرسنگی، از نا امنی و جنگ ستیزی و زن ستیزی نشان میدهد که هیچ چشم آملی به هیچ نوعی از سرمایه داری، به دولتهای فاسد در قدرت، به مذهب و رهبران خودی نیست. خیابانها در دو سال گذشته میدان جنگ میان مردم و دولت، جنگ میان گرسنگان و ارتش مسلح، جنگ کارگران و کارفرمایان، جنگ زنان با زن ستیزان و سیستمها، نبرد یک طرفه پناهجو برای نجات جان خود با مرزبانان دولتها، جنگ بی خدایان با مذاهب از جمله اسلام بوده است. در ایران بعد از چهل و یکسال مبارزه مردم با یکی از هارترین رژیمهای منطقه از جنگ خانه به خانه تا کوچ و خیابان و بها دادن جان هزاران نفر برای براندازی این رژیم لحظه شماری میشود.

امسال روز جهانی زن در بطن عروج بیماری کرونا برگزار شد. هشت مارس از نگاه ما روز اعتراض به بیعدالتی زنان، روز مبارزه جمعی زنان و مردان علیه سیستمهای زن ستیز، روز اعلام همبستگی با جنبشهای زنان است. بنیانگذاران روز جهانی زن از جمله کلارا زتکین و کولونتای با اهداف سوسیالیستی و برابری طلبانه و به معنای آزادی کامل زنان این روز را پایه گذاری کردند. اما جنبشها و دولتهای راست غربی این واقعیت تاریخی را وارونه به مردم تزیق کرده اند.

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکنی برای تمام افراد آماده به کار!

مروری بر هشت مارس امسال:

علیه بی عدالتی، خشونت و تجاوز ...

در کردستان سوریه، زنان کانتون حسکه تظاهراتی با شرکت صدها زن با داشتن مشعلهایی در دست به رژه در خیابانها و دادن شعارهایی علیه بی عدالتی اجتماعی، بی حقوقی زنان، علیه تجاوز و کشتار زنان در کردستان برگزار کردند.

در عراق در ادامه جنبش چند ماهه اخیر علیه دولت در بزرگترین شهرهای عراق از جمله بغداد و در کردستان عراق در سلیمانیه تظاهراتی وسیعی به رهبری کمونیستها و فعالین زن از جمله یانار محمد برگزار شد. شعارها در اعتراض به بی کفایتی دولت وقت عراق، علیه قتل‌های ناموسی، علیه بیکاری و گرانی، علیه تجاوز و اذیت و آزار خانگی بود.

علیرغم هشدارهای قبلی دولت پاکستان و بویژه یک دادگاه در اسلام آباد که هر گونه تجمع به مناسبت هشت مارس را ممنوع اعلام کرده بود هزاران زن دست به راهپیمایی زدند. شعارها علیه سیاستهای دولت و برخورد مسئولین به وضعیت اسف بار زنان، تجاوز و خانه نشین کردن زنان بود. این تجمع تا به آخر در محاصره پلیس بود اما به درگیری نکشید.

در قزاقستان راهپیمای زنان با دادن شعارهایی علیه سیاستهای زن ستیزانه دولت شروع شد. پلیس زنان را با گاز اشک آور و باتوم متفرق کرده و تعدادی را بازداشت موقت کردند.

راهپیمایی هزاران نفره زنان در فیلیپین در اعتراض به اذیت و آزار جنسی و سیستماتیک در خانه و محیط کار و با خواست افزایش دستمزدها و شرایط بهتر محیط کار برگزار شد.

در مسکو و مینسک که روز زن تعطیل رسمی است راهپیمایی های وسیعی برگزار شد. یکی از شعارها که توجه میدیا را جلب کرده بود "ما خواهران کاپاتوریان هستیم!"***. زنان خواهان برخورد قانونی به خشونتهای رو به تزاید جنسی و سیستماتیکی شدند.

در کانادا، استرالیا، نیوزیلند، اندونزی و دیگر کشورهای اروپایی از جمله هلند، بلژیک، سوئیس و کمابیش دیگر اقصی جهان گردهمایی های هر ساله به مناسبت این روز نیز برگزار گردید.

EachForEquality،Metoo*
Landless Worker Movement **

*** سال 2018 در یکی از دادگاههای این کشور سه خواهر که مکررا مورد تجاوز جنسی از جانب پدرشان قرار گرفته بودند متهم به قتل پدر شدند. این موضوع به اعتراض سراسری علیه خشونت خانگی و تجاوز به زنان برای تغییر قوانین در روسیه برای مبارزه با خشونت جنسی علیه زنان شد.

برگزار شد. پوسترهایی از کلاراز تکین و کولوننای توسط کمونیستها حمل میشد. در سوئد و دیگر نقاط اسکاندیناوی حرکت های خیابانی و سمینارهای سیاسی برگزار شد. نقش همیشگی چپ های ایرانی، بویژه کمونیستها در برپایی حرکت های خیابانی روز زن چشمگیر بود.

در انگلیس، همچنین تظاهراتی در نقاط مختلف لندن برگزار شد. تظاهرات زنان هشت مارس و تشکل زنان افغان در مرکز شهر در اعتراض به وضعیت زنان در ایران و افغانستان، با اجرای سخنرانی های بفارسی و انگلیسی مورد حمایت بسیاری از تماشاچیان قرار گرفت. بنیاد زن و جامعه و ستاد آلترناتیو سوسیالیستی ایران در لندن همچنین سمیناری اینترنتی برگزار کرد. زنان از دیگر اقشار به برگزاریهای سمینارهای آنلاین و تویت کردن و اعلام همبستگی این روز را گرامی داشتند.

در ایران با توجه به بحرانی بودن بیماری و آگیر کرونا و وضعیت فلاکت بار مردم اغلب حرکتها به آنلاین و تماسهای چند نفره و ایجاد گروههای کوچکتر برای نشست دور هم محدود شد. پوسترها، قطعنامه ها، شعارها و مطالب زیادی بمناسبت روز زن وسیعا پخش شد. در پارک شهر سندانج تعدادی از زنان و مردان به رسم هر ساله پیکتی برگزار کردند. چند تن از زنان پیامهایی انقلابی ارائه دادند. مراسم با پخش شیرینی و با اعلام همدردی با مردم داغیده ایران در شرایط سخت شیوع بیمارس کرونا پایان یافت.

در کابل با برگزاری چند نشست و سمینار اعتراض و نگرانی شدید خود را به بازگشت مجدد طالبان و وحشت از قوانین شریعه اسلامی سخنرانان با صدور قطعنامه هایی به سازمان حقوق بشر خواستار رسیدگی به وضع زنان و کودکان شدند.

پلیس ترکیه در استانبول از روز قبل میدان استقلال را قرنطینه و خیابانهای مشرف به آن را بسته بود. با وجود این هزاران زن با شکستن میله ها خود را به میدان استقلال رساندند. پلیس با باتوم و گاز اشک آور تظاهر کنندگان را متفرق کرده وعده ای هم دستگیر کرد که چند ساعت بعد آزاد شدند. شعارهای تظاهر کنندگان به بی کفایتی دولت در جلوگیری از خشونت هر روزه به زنان، به عقب گرد موقعیت زنان بود. همچنین در مرز ترکیه زنان پناهجو از کمپهای مرزی و پشت سیمهای خاردار شروع به راهپیمایی کردند. در مرزهای یونان راهپیمایی پناهجویان روز هشت مارس پشت سیمهای خاردار با وجود سرمای شدید، بدون غذا، بدون پوشاک مناسب، بدون هیچ امنیتی فریاد میزدند "زننده باد هشت مارس!"، "به کودکان ما کمک کنید!".

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

زندانیان و مردم

سیوان کریمی

در دوران اپیدمی کرونا جامعه ایران هم مانند تمام دنیا وارد فاز جدیدی شده است. رژیم اسلامی عملاً با جعل واقعیات - همانند چهل سال گذشته - سعی در این دارد که رشد سرسام آور بیماری کرونا را در جامعه چیزی "عادی" جلوه دهد. هنوز به خاطر مسئولیتی که قرنطینه بر دوش این رژیم میگذارد از اعلام آن سرباز می زند. تعداد آمار کشته ها و مبتلایان که توسط پرسنل بیمارستانی اعلام می شود با آمار رژیم اسلامی، بسیار متفاوت است. تمام جوانب زندگی مردم تحت تاثیر قرار گرفته است. بحران کرونا، بار دیگر نه تنها بی کفایتی بلکه ضدیت جنایتکارانه رژیم اسلامی را با مردم ایران نشان داد. می توان این سیاست جنایتکارانه را در برخورد و رسیدگی به بیماران، تست و تشخیص این بیماری، عدم اعلام آمار واقعی، تعطیلی مدارس و دانشگاهها، تامین مایحتاج مردم و حتی تامین حداقل معیشت مردم در برابر شعار "در خانه بمانید" را نشان داد. یکی از موضوعات و مسائل مهم این دوران تحت تاثیر بحران کرونا، بی توجهی مطلق جمهوری اسلامی به بهداشت و سلامت زندان و زندانیان است. مساله ای که باعث جهتگیریهای مختلفی درباره این موضوع شده است.

"همه زندانیان" آزاد باید گردند!

این شعار و سیاست بدرست از طرف حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در زمان آغاز این اپیدمی و بعداً در اطلاعیه های حزبی اعلام شد که اینجا و آنجا با انتقاد درباره عدم تفکیک بین زندانیان مواجه شد. دوران کرونا، دوران بحران سلامت در جامعه ای است که شیرازه حکومت به سوی از هم پاشیدن پیش میرود. زندانیان، بدون هر نوع تفکیکی، بخشی از انسانهای جامعه هستند که در این دوران بدون در نظر گرفتن هر نوع سابقه آنها و تنها به عنوان انسان باید با آنها برخورد شود. در این شکی نیست که جرم تعدادی از زندانیان می تواند جرائمی از جمله قتل و ... باشد. رژیم اسلامی در دوره ای بحرانی مانند بحران کرونا، موظف است که سلامت جامعه را تامین کند. زندان هم به عنوان بخشی از جامعه از این قاعده مستثنی نیست. رژیم اسلامی در تامین امنیت خود جامعه هم با مشکل جدی روبرو است. در این اوضاع هم زندانها به حال خود رها شده اند. آمارهایی که از درون زندانها به بیرون درز میکند، نشان میدهند که تعدادی از زندانیان به این ویروس مبتلا شده اند و حتی مواردی از مرگ هم گزارش شده است. در چنین شرایطی که مرگ هزاران زندانی را تهدید میکند، تنها تصمیم ممکن از طرف این زندانیان برای زنده ماندن و در امان ماندن از این فاجعه، شورش و فرار است. همه زندانیان حق زندگی دارند. اگر زندانیانی با جرائمی وجود دارند که برای جامعه خطرناک هستند، این وظیفه دولت است تا شرایطی سلامت آنها را فراهم کند و یا تحت شرایط ویژه ای نگهداری کند. خطرناک بودن زندانی حق زنده ماندن و حق سلامتی اش را زیر سوال نمیبرد. حقوق مجرمین را برای مجرمین نوشته اند. در غیر این صورت حق دارند که شرایطی را برای حفاظت از جان خود بوجود آورند و در این شرایط فرار از این سیاه چاله ها تنها راه پیش روی آنهاست.

مردم باید به آنها کمک دهند!

تعداد کثیری از زندانیانی که در سیاه چالهای رژیم اسلامی به سر می برند، زندانیانی عادی هستند که به خاطر وضعیت اقتصادی و یا بدلیل سیاسی در زندان به سر می برند. این زندانیان با بی توجهی مطلق از سوی رژیم اسلامی در این شرایط بحرانی مواجه هستند و اگر فرصتی برای فرار داشته باشند، تنها تصمیم پیش روی آنهاست.



مردم هر شهر و محله که وضعیت چهل سال زندگی زیر سایه رژیم اسلامی را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس کرده اند، و بعضاً با دلایل زندانی شدن این زندانیان آشنا هستند، باید از سلامت این زندانیان دفاع کنند. این به معنای پذیرش "جرم زندانیان" و یا تبدیل آن به هنجاری اجتماعی نیست. بلکه به این معنی است که در جامعه ای که دولت به معنای محدود هم نمی تواند حداقلهای یک شرایط ایمن را بوجود آورد، خود جامعه و مردم باید پا پیش بگذارند. در رژیم اسلامی که خود بزرگترین جنایتکار حرفه ای و خطرناک است و بانی تمام فقر و فلاکت و تمام جرمهایی است که در جامعه رخ می دهد، صحبت از سلامت جامعه بی معنی است. امکانات پزشکی و سلامت برای این جامعه هیچگاه از سوی رژیم اسلامی دارای اهمیت نبوده و تمام توان خود را صرف میلیتاریزه کردن جامعه کرده است. در زمان کشته شدن قاسم سلیمانی حدود دویست میلیون یورو برای کمک به سپاه اختصاص داده شد که همین بودجه برای بوجود آوردن زیرساختهای گسترده بیمارستانی و امکانات مجهز و تامین شرایط پزشکی برای مقابله با چنین بحرانی و کمک به مبتلایان به کرونا و تضمین سلامت از جمله در مکانهایی مانند زندان کافی است. رژیم اسلامی این کار را نخواهد کرد چون جان انسانها برایش کمترین اهمیت را دارد. در طول این چند سال بحرانی مانند زلزله و سیل بوجود آمده است که مردم خودشان آستین بالا زده اند. بحران کرونا هم، اگرچه ماهیتاً با این بحرانها فرق دارد، اما از زاویه ضرورت یک همبستگی و همیاری انسانی و اجتماعی شرایط مشابهی را ایجاد کرده است. با این تفاوت که این بار یک شهر و یک منطقه نیست. اینبار تمام بخشهای جامعه درگیر آن است و جمهوری اسلامی هم زمین گیرتر از قبل در مقابل آن زانو زده است.

مردم به کمک زندانیان بشتابید! به کمک انسانهایی که دلیل زندان شدنشان در وهله اول این نظام و خود رژیم اسلامی است.

آپریل ۲۰۲۰

**کلیه زندانیان سیاسی بدون
تعلل و فوراً آزاد باید گردند!**

حق معیشت

وظیفه دولت در تامین نیازهای پایه ای ساکنین جامعه

نادر شریفی

هر انسانی با ارائه خواص خوب خود، سعی میکند، ارزشمندی خود به جامعه را اثبات کند. جامعه ای که ساختار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اش در تبلور حکومت بر احقاق خواست واقعی شهروندان، به ارزشمند بودن و تعلق اجتماعی داشتن، به سعادت تک تک اعضای جامعه، به بروز استعدادهای اعضای جامعه، بر آزادی و رهائی بنا شده باشد، جامعه انسانی است که قدرت و حکومت وسیله ای در راستای حفاظت و حقوق برابر برای همه شهروندان است. روی دیگر این سکه، آن جوامعی اند که بر اساس جاه طلبی بیشتر اقلیتی، و کسب قدرت و حفظ آن تصمیم قطعی سیاستمداران آن است که هدف، تصرف "قدرت" و "حکومت" است و نه وسیله ای برای شکوفائی و سعادت جامعه.

بنابراین ما با دو نوع جامعه روبرو می باشیم که در اساس و بنیان در تضاد با یکدیگرند. جامعه ای که بر اساس انسان آزاد و در همناختی با طبیعت واقعی پیرامونی آن بنا می شود و یا جامعه ای که انسان در آن اکیداً ارزشمندی درخود ندارد. تلاش برای رسیدن به جامعه ارزشمند با مبارزات اجتماعی، یک واقعیت قابل اثبات و ارجاع است که توسط انسانهای واقعی و جنبشهای اجتماعی به پیش برده میشوند. مبارزات اجتماعی نیز در همین فرمول ساده اجتماعی می گنجند. یا برای ارزشمندی انسان و سعادت اجتماعی و یا برای بی ارزشی انسان و حفظ و گسترش سودآوری بخش اقلیتی. یا برای تعویض از فرمی به فرم دیگری در حفظ و گسترش سرمایه و یا برای تغییر بنیادین! دست آخر، چطور می توان انسان در جامعه ای که "رقابت"، بالابردن سود و منفعت شخصی، تنها درجه سنجش است، نبوغ و ارزش اجتماعی جایی برای بیان خود و تعریف خود در جامعه پیدا کند؟ وقتی انسانها چیزی بیش از اعداد نیستند، چگونه میتوان از آزادی و رهائی و نوعوستی صحبت کرد؟ چگونه انسانها می توانند در محیط پیرامونی خود احترام و ارزش اجتماعی خود را پیدا کنند؟ وقتی تنها سرمایه و پول "ارزشهای" قابل شمارش آن جامعه تعریف میشوند؟

ویروس کووید ۱۹ بار دیگر به همگان اثبات کرد که فرمول از خود بیگانگی انسان، فرمول بی هویتی انسان چه نتایج وحشتناکی باخود به همراه می آورد. کووید ۱۹ اگرچه حاصل فعل و انفعالات "طبیعی" در جوامع انسانی بوده اما با این وجود نشان داد این جوامع بشری امروزند که ابدأ آمادگی حفظ جان شهروندان خود را ندارند. انسانها در این جوامع همانقدر ارزش دارند که حجم کیف پول آنها قدرت دارد. بنابراین کشته شدگان و آسیب دیدگان ویروس کرونا، همانند قربانیان جنگها و بلایای دیگر، چیزی غیر از تعدادی ارقام و آمار نیستند! گویا جامعه در قبال مرگ انسانها جلوی در بسته بیمارستانها، یا روی تخت خوابگاههای خانه سالمندان، یا در کنار خیابانها و یا در آلودگی بنام "منزل" که دهها سال برای ساختن آنها مزدگیران جامعه کار شبانه روزی کرده اند، مسئولیتی ندارند!

مگر جوامع کاپیتالیستی، بنا بر ادعای خودشان (و نه ما!)، بر پایه تولید "ارزش اضافه" و "انباشت سرمایه" بنا نشده اند و بنابراین بهترین فرم نظامهای اجتماعی نیستند؟ پس چرا این اجتماعات حتی پس از یک دوره نسبتاً بزرگ انباشت (حداقل از فاصله جنگ جهانی دوم تا به امروز) در موقعیتی نیستند که چند سالی امورات اقتصادی جامعه و معیشت جامعه را بدون کار شبانه روزی زحمتکشان تامین کنند؟ این چه نظام "مقتدر" و "عالی" است که از روز عروج شیوع ویروس کرونا تا به امروز تنها دردش اقتصاد ورشکسته خود است؟ این چه عالیترین نظام اجتماعی است که در سرآغاز شیوع بیماری کرونا، بحران اقتصادی سراسر جامعه را در خود بلعیده و به گواهی "اقتصاددانان" خودشان حداقل بیست و پنج سال آینده بر دوش زحمتکشان جامعه آویزان خواهد ماند؟ این چه نظامی است که حتی از تعهد حق معیشت و تامین هزینه های پایه ای زندگی روزمره مردم حتی در کشورهایی همانند: نروژ، فنلاند، ایالات متحده آمریکا، آلمان و انگلیس و ... "عاجز" است؟ این چه نظام تولیدی است که با نسیم یک بیماری همه گیر، برای شهروندان حتی دستکش و ماسک کافی در اختیار ندارد؟

یا اینکه اتفاقاً سرمایه و ثروت، حتی در جامعه آخوند و اسلام زده مانند ایران، باندازه کافی وجود دارد، منتها این سرمایه ها نه تنها در خدمت اعضای آن جامعه قرار نمیگیرند، بلکه برعکس در دوران بحرانی، بدنبال غارت بیشتر جامعه و شهروندان آسیب دیده نیز آمده اند! بی علت نیست که بانکها، بعنوان شاخه ای از سرمایه، بزرگترین منفعتگران دوران بحران اجتماعی- اقتصادی اند! در نتیجه وقتی جوهر واقعی انسان که در جامعه با حرص در حفظ و انباشت بیشتر سرمایه معنا پیدا میکند، بی اعتباری حقوق پایه ای انسان به مرحله عالی خود که همان حکومت مطلق سرمایه است، میرسد. همه چیز بنابراین کله پا است، جوامع بشری نه با پا، بلکه با سر راه میروند!

برای همین مارکس با هوشیاری مخصوص بخود تغییرات اجتماعی را هم در "انقلاب های بورژوائی" و هم در انقلاب های کارگری تعریف میکند. در همین راستا، مبارزات اجتماعی مستقل از اینکه در صحنه سیاسی رخ دهند، یا در عرصه مبارزات فلسفی و یا در هر حوزه اجتماعی دیگر، در واقع چیزی جز بیان کم و بیش نبردهای بنیادین اجتماعی نیستند که به موجب آن، وجود طبقات اجتماعی و در نتیجه برخورد آنها با یکدیگرند، غیر قابل انکار می شوند.

تعهد دولت در تامین حق معیشت شهروندان خود

اگر کتابهای اقتصادی تئوریهیهای سرمایه داری را مطالعه و به ادعاهای آنان موقتاً اعتماد کنیم، دولت در جوامع امروزی جهان سرمایه نقش توزیع کننده امکانات را عهده دار میباشد. بدین معنا که کارگران در مراکز تولیدی و خدماتی تولید میکنند، مراکز تولیدی، با "تولید" کالا احتیاجات جامعه را از طرفی برطرف و از طرف دیگر با تولید "درآمد" مخارج حاصله از پروسه تولید و دست اندرکاران در تولید را بدست می آورند. مزدگیران و کارگران این مراکز تولیدی با فروش کار خود، میتوانند تولیدات حاصل در جامعه را خریده و بدین ترتیب



حق معیشت

وظیفه دولت در تامین نیازهای پایه ای ساکنین جامعه ...

"احتیاجات" خود و خانواده خود را برطرف کنند.

اجتماع، امکان ایستادگی و حفظ جوامع بشری در شرایط امروزی ممکن نیست. برای زحمتکشان و آسیب دیدگان و مزدبگیران، امکان پذیر نیست که ماهها کار نکنند، در قرنطینه بمانند، هزینه خورد و خوراک خود و خانواده خود را تامین کنند، اجاره خانه و بیمه و دهها هزینه های زندگی شان را پرداخت کنند. تعهد دولت در بعهده گیری نقشش همین امروز تنها یک درخواست نیست! شرط لازم بی قید و شرط حفظ جوامع و آنهم همین امروز است. مزدبگیران، بازنشستگانی، که حتی دوران پیری مجبور به کارند، آسیب دیدگان، همه و همه بایستی بلافاصله تحت پوشش همه جانبه تعهدات دولت در حفظ تامین زندگی پایه ای شهروندان جامعه قرار بگیرند.

تعهدات پایه ای زندگی کدامند؟

تامین هزینه های معیشتی و بهداشتی برای رفع احتیاجات کامل اعضای جامعه.
تامین کامل هزینه های مسکن، باضافه استفاده رایگان از برق، آب، آب گرم، تلفن، اینترنت.
تامین کامل بیمه های بیماری، درمانی و بهداشتی و تضمین دسترسی کامل به دکتر و بیمارستان و دارو و خدمات پزشکی.
تعهد کامل و تامین هزینه مکفی دوران پیری و بازنشستگی شهروندان محترم جامعه.
تامین هزینه های بیشتر برای گروههای اجتماعی که به خدمات ویژه انسانی نیازمندند.
تعهد به و کمک به اعضای جامعه در موارد استثنائی.
تامین سازمان آموزش و حفظ سلامت روانی جامعه در دوره بحران.

...

۲ آوریل ۲۰۲۰ - ۱۴ فروردین ۱۳۹۹

نقش دولت اما در این است که با دریافت مالیات، چه از مراکز تولیدی و بنگاههای خدماتی و چه از مزدبگیران، امر تقسیم عادلانه در جامعه را به پیش ببرد. تا همین جایش و با هزار و یک اما و اگرش پس میتوان پرسید و خواهان آن بود که دولت بلافاصله بخاطر وجود شرایط "غیر عادی"، مانند بروز جنگ و یا حوادث طبیعی همانند سیل و بروز آتشفشان و شیوع بیماریهای همه گیر مانند بیماری کرونا، موظف است به حمایت فوری شهروندان جامعه بشتابد. بنابراین ما حق داریم از تک تک حافظان و سیاستمداران قدرت طلب در دولتهای بورژوازی بپرسیم که کجاست، تعهد شما در تامین حق معیشت شهروندان، بعهده گرفتن دستمزد و حقوق کارگران، کارکنان، بازنشستگان و صدمه دیدگان جامعه؟ کجاست حفاظت جان شهروندان جامعه و تامین مالی تک تک اعضای آن؟ کجاست این تقسیم ثروت و درآمدهای اجتماعی که قرار بود، همه اعضای جامعه از آن بهره مند باشند؟ اگر دولت حتی از تقسیم و توزیع امکانات جامعه عاجز است، پس وجود و علت وجودی این دولت در چیست؟

تهدیدات جانی و ویروس کووید ۱۹ زندگی جوامع بشری را از اروپا تا آمریکا و از آسیا تا آفریقا فراگرفته است. بدون دخالت دولتها در تعهد در نقش اساسی شان و استفاده از امکانات و ثروتهای تولید شده در

تامین حق سلامتی وظیفه دولت است!

بهداشت جسمی و روانی، طب رایگان و برخورداری از تست مرتب پزشکی یک امتیاز طبقات دارا نیست، جزو حقوق پایه شهروندان است. دسترسی به اطلاعات معتبر و علمی در باره سلامت حق شهروندان است. دادن اطلاعات مرتب به جامعه توسط کادر پزشکی یک تعهد شغلی و یک وظیفه انسانی و علمی است. هر نوع امنیتی کردن این مسئله توسط دولت یعنی ممانعت از حق دانستن و اطلاع از خطر جانی، یعنی ارتکاب عامدانه دولتی برای تهدید سلامت شهروندان. کور کردن ارائه اطلاعات علمی و مال اندوزی از طریق احتکار نیازهای اولیه بهداشتی مردم یک عمل جنایتکارانه است. دولت در قبال سلامت و بهداشت مردم مسئول است. وظیفه فوری دولت است که در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بیدرنگ هرگونه خدمات پزشکی و داروئی را تماماً رایگان کند. سلامت و جان مردم نباید تجاری شود، جان قابل معامله نیست!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

در باره تنش دولتهای آمریکا و جمهوری اسلامی

سیاوش دانشور

بدنبال تحرکات نظامی و مشکوک در عراق توسط نیروهای وابسته به حکومت اسلامی از جمله کتائب حزب الله و حشدالشعبی، جابجایی و تخلیه نیروهای نظامی آمریکا در پایگاه کی وان، گسترش تهدیدها و هشدارهای جنگی از جانب کاخ سفید و فرماندهان سپاه، بار دیگر امکان تصادم نظامی میان دولتهای آمریکا و جمهوری اسلامی در عراق بالا گرفت. این تنشها با سفر قانانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران به عراق وارد مرحله جدیدی شد. دونالد ترامپ مدعی شد که جمهوری اسلامی مشغول برنامه ریزی برای "حمله غافلگیرانه" به نیروهای آمریکایی است و هرگونه اقدام جمهوری اسلامی را با واکنش بزرگ و سخت پاسخ خواهد داد. جمهوری اسلامی نیز گفت اقدامات "نیروهای مقاومت" به ما مربوط نیست اما هر اقدام آمریکا علیه جمهوری اسلامی را با سخت ترین واکنش پاسخ میدهیم. رجز خوانی و پروپاگاندا طرفین بار دیگر امکان تصادم نظامی را بدنبال معامله بر سر بحران ناشی از کشته شدن قاسم سلیمانی طرح کرد.

واقعیت اینست که خیزشهای توده ای جمهوری اسلامی رت در عراق و لبنان تضعیف کرده است. تلاشهای اخیر عدنان زرفی برای تشکیل دولت جدید عراق با اختلاف شدید میان نیروهای سیاسی از جمله نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی روبرو شده است و یک هدف سفر قانانی تلاش برای فائق آمدن به این بحران بنفع نیروهای طرفدار حکومت اسلامی است. تاکنون تحولات در عراق بنفع جمهوری اسلامی پیش نرفته و بیشتر کارتهای رژیم در عراق برای تشکیل دولتی پرو جمهوری اسلامی سوخته است. یک هدف اصلی کشمکش کنونی برسر تغییر تناسب قوا در عراق و تلاش جمهوری اسلامی برای بازپس گیری سنگرهای از دست در رفته است.

آمریکا و نیروهای هیئت حاکمه عراق این استعداد را دارند و تاکنون نشان داده اند که میتوانند با جمهوری اسلامی وارد معامله و توافق شوند. آنچه که میتواند این معامله و بند و بست را بی فرجام کند، فاکتور خیزش توده ای و انقلابی علیه کل جریانات حکومتی است. بحران کرونا و در خانه ماندن مردم فرصت خوبی به تروریستهای دولتی و غیر دولتی برای بند و بست و مانور و مانیپولاسیون داده است. حتی اگر در چنین بند و بست چه با بمباران و موشک باران و چه با دیپلماسی موفق شوند، در فردای بحران کرونا مجدداً همان مشکل سابق و همان صورت مسئله سابق در مقابلشان قد علم خواهد کرد: نظام طائفی باید برود!

۲ آوریل ۲۰۲۰

مرکز خبری حزب حکمتیست

شورش در زندانها، زندانیان باید فوراً و بدون تعلل آزاد شوند!

بنا به اخبار منتشر شده و دریافتی، اوضاع وخیم زندانها و نگرانی از ابتلای دستجمعی زندانیان به ویروس کرونا موجب اعتراضات وسیع و نهایتاً شورش در زندانهای کشور شده است. تاکنون دستکم در چهار زندان از جمله زندانهای پارسیلون خرم آباد و الیگودرز همدان در هفته گذشته، زندان مرکزی تبریز دیروز پنجشنبه هفتم فروردین و زندان مرکزی سقز امروز جمعه هشتم فروردین، زندانیان دست به شورش زدند، تلاش کردند از زندان فرار کنند، با سرکوب خونین ماموران امنیتی و گارد زندان روبرو شده اند، تعدادی زخمی و با گلوله به قتل رسیدند و در مواردی تعدادی از زندانیان موفق به فرار از زندان شده اند. لازم به ذکر است که بنا به اخبار تائید شده تاکنون دستکم شش نفر در زندانهای ایران به دلیل ابتلا به کرونا جانباخته اند. بدون تردید این آمار بسیار بیشتر است.

این شورش ها نشان میدهد که خطر مرگ بطور جدی زندانیان را تهدید میکند. زمانی که مرگ در یققدمی است، زندانی هر نوع ملاحظه جان و گلوله خوردن را کنار میگذارد و به آخرین تلاش برای زنده ماندن یعنی فرار دست میزند. جمهوری اسلامی هنوز تعداد زیادی از زندانیان سیاسی، دستگیری های آباتماه و بخش زیادی از مجرمین عادی که وعده آزادی موقت آنها را داده بودند، در زندانها نگاهداشته است. این اقدام جمهوری اسلامی ارتکاب آگاهانه به قتل عمد زندانیان است. این اجرای اعدام به شیوه دیگری است. رها کردن زندانی در بندهای شلوغ و بی امکانات با بیماری کرونا، معادل فرستادن دستجمعی آنها به میدان تیر و کوره های آدم سوزی است. دنیا باید بداند جمهوری اسلامی آگاهانه و عامدانه مرتکب یک جنایت جمعی علیه زندانیان میشود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست خانواده ها و بستگان زندانیان، فعالین سیاسی و اجتماعی و آزادیخواهان را به تلاش و اعتراض گسترده از طرق ممکن و متناسب با اوضاع کنونی در حمایت از زندانیان فرامیخواند. جان زندانیان در خطر جدی قرار دارد. علیه حکومت جنایت پیشه جمهوری اسلامی و سیاست کشتار جمعی زندانیان اعتراض کنیم. زندانیان سیاسی و کلیه زندانیان بیدرنگ باید آزاد شوند!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۸ فروردین ۱۳۹۹ - ۲۷ مارس ۲۰۲۰

مرکز خبری حزب حکمتیست

شورش در زندان ها ادامه دارد!

زندان شیبان اهواز،

امروز سه شنبه ۱۲ فروردین زندانیان زندان شیبان، زندان مرکزی اهواز، بدلیل ابتلای تعدادی از زندانیان به ویروس کرونا دست به شورش زدند. گارد ویژه زندان به زندانیان شلیک کرد و اخبار از کشته و زخمی شدن تعدادی از زندانیان سخن میگوید. ورود و خروج آمبولانس ها به داخل و بیرون زندان حاکی از برخورد وحشیانه و جنایتکارانه گارد زندان با زندانیان است.

خانواده های نگران زندانیان در جاده اهواز - شوشتر دست به تجمع و اعتراض زدند. نیروهای امنیتی به سمت خانواده ها با شلیک گاز اشک آور و گلوله حمله کردند. بنا به اظهارات بستگان زندانیان در تهاجم ماموران امنیتی به سمت آنان دستکم سه نفر زخمی شدند. همینطور سه شنبه شب ۱۲ فروردین و بدنبال شورش در زندان سپیدار اهواز، خانواده های زندانیان در مقابل این زندان تجمع کردند.

زندان مرکزی تبریز،

دوشنبه ۱۱ فروردین حوالی ساعت نه شب، زندانیان زندان مرکزی

تبریز در بندهای ۱۲ و ۱۵ مجددا دست به شورش زدند. این اعتراض در واکنش به اخبار دروغ شبکه بیست و سی صورت گرفت که ادعا کرد بجز زندانیان خطرناک کلیه زندانیان بدستور مقامات قضائی به مرخصی رفته اند. زندانیان فریاد میزدند "ما بی خطریم و در زندانیم" و دستجمعی خطاب به مسئولان حکومتی "بیشرف، بیشرف" می گفتند. در شورش روز هفتم فرودین زندان مرکزی تبریز بدلیل تیراندازی ماموران دستکم ده نفر زخمی شدند که آنها را به بیمارستان ارتش منتقل کردند.

کرونا جامعه ایران را به سمت یک فاجعه تمام عیار میبرد و زندانها یکی از مراکز پر خطر ابتلا به ویروس است. زندانیان حق دارند برای زنده ماندن دست به شورش بزنند، حق دارند در تقابل با حکومتی که نقشه قتل عام خاموش آنان را دارد خود را به آب و آتش بزنند. این شورش ها بر سر نجات جان در این شرایط ویژه است.

مردم آزادیخواه! به حکومت به طرق مختلف فشار بیاورید، از شورش زندانیان حمایت کنید، تهاجم وحشیانه به زندانیان و خانواده هایشان را محکوم کنید، خواستار آزادی بیدرنگ زندانیان سیاسی و کلیه زندانیان شوید!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۲ فروردین ۱۳۹۹ - ۳۱ مارس ۲۰۲۰

مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!



علیه قتل عام زندانیان در زندانهای اهواز وسیعاً اعتراض کنیم!

منتشر شده است.

تاکنون اعتراض خانواده ها برای خبر گرفتن از سلامت فرزندانشان بی نتیجه مانده و رژیم اسلامی به اجتماع خانواده ها نیز با گاز اشک آور و گارد ویژه حمله کرده است.

مردم خوزستان، آزادیخواهان!

علیه جنایت جمهوری اسلامی در زندانها وسیعاً و به هر شیوه مقدور اعتراض کنید. زندانیان حق دارند در دفاع از جانشان دست به شورش بزنند، حق دارند علیه فقدان امکانات بهداشتی و نگرانی از ابتلا به کرونا اعتراض کنند، حق دارند در این شرایط خطیر از زندان بیرون بیایند و در محیط ایمن‌تری باشند. از زندانیان فراری حمایت کنید، برای آزادی فوری زندانیان سیاسی و کلیه زندانیان تلاشمان را گسترش دهیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۴ فروردین ۱۳۹۹ - ۲ آوریل ۲۰۲۰

جمهوری اسلامی در جریان شورش در زندانهای سپیدار و شبیان اهواز دست به جنایت علیه زندانیان معترض زده است. اخبار تأیید نشده از کشته شدن دهها نفر و زخمی شدن تعداد بیشتری سخن میگویند.

زندان سپیدار

بنا به خبر یکی از ماموران زندان در جریان شورش زندانیان روز دوشنبه ۱۱ فروردین در زندان سپیدار، ۱۸ زندانی کشته شده اند. تاکنون هویت چهار نفر از زندانیان به قتل رسیده بنامهای: محمد تامولی طرفی ۲۵ ساله از شهر بستان، رضا خرسانی (مغیمی) ۳۸ ساله از دشت آزادگان شهر خفاجیه، محمد سلامات از کوی مشعلی اهواز و شاهین زهیری از شهر خرمشهر تأیید شده است.

زندان شبیان

در جریان شورش زندان شبیان که زندانیان موفق شده بودند به محوطه خروجی زندان برسند، نیروهای نظامی از هلیکوپتر برای سرکوب استفاده کردند. اخبار از یک قتل عام در زندان شبیان سخن میگویند. منابع محلی در خوزستان از انتقال اجساد ۲۰ زندانی به پزشک قانونی اهواز خبر میدهند. امین عبیات یکی از کشته شدگان شورش روز سه شنبه ۱۲ فروردین در زندان شبیان است. همینطور تاکنون اسامی تعدادی از مجروحین شورش زندان مرکزی اهواز بنامهای: حسن البوخفر، حمید بیت صالح، محمد عبیدوای، محسن اورک و کاظم جنامی

علیه مذهب و خرافات!

قم این مرکز فساد، این تجارتخانه دین، این "دروازه بهشت"، مرکز انتشار ویروس و "جهنم" روی زمین شد. شیوع کرونا برای هزارمین بار نشان داد که خرافات مذهبی، امامان و بیوت دایناسورهای اسلامی، همه حجره‌های تجارت و تخدیر و جنایت هستند. آیت الله‌ها و آخوندها به بیمارستانهای مجلل و محیطهای خوش آب و هوا میروند اما مردم را به زیارت و خواندن دعا دعوت میکنند! ویروس کرونا در کنار وحشتی که آفرید در عین حال مذهب را در زمین خودش شکست داد. معلوم شد این همه بارگاه مذهبی و افسانه سرائی پیرامون آن پشیزی ارزش ندارد و فقط دستگاه شیادی و کلاهبرداری است. به مساجد، زیارتگاه‌ها و نماز جمعه نروید! به سخنان جنایتکاران صنعت دین واقعی نگذارید! علیه خرافات مذهبی و توصیه‌های غیر علمی و غیر کارشناسانه بایستید! آخوندها و تجار دین را از محیط زندگی تان بیرون کنید! دستگاه دین و خرافات اسلامی بیشتر از کرونا برای سلامت و بهداشت جسمی و روانی شهروندان خطرناک است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

فوراً و بدون تعلل زندانیان را آزاد کنید!

علیه قتل عمد دولتی و کشتاری دیگر!

زندانیان های رژیم مملو از زندانی اند. زندانیان یکی از غیر بهداشتی ترین و خطرناک ترین اماکن شیوع کرونا است. زندانیان فوراً و بدون تعلل باید آزاد شوند. کلیه زندانیان باید تست شوند و مراتب آن با شفافیت اعلام شود. هر نوع تعلل در این زمینه، اقدام آگاهانه و عامدانه دولت به قتل عمد و کشتار جمعی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

امروز یک همبستگی انسانی قدرتمند حیاتی است!

من، تو، ما مسئولیم!

کرونا تأثیرات چند جانبه داشته است. نگرانی و خشم تا استیصال و پانیک. مسئولیت اجتماعی و عبور دادن جامعه از بحران کنونی، حرف اول و آخر هر جنبش آزادیخواهانه در این شرایط است. مسئولیت امروز همه ما ایجاد یک همبستگی قدرتمند انسانی، گرفتن دست همدیگر، درک درد مشترک، اعمال فشار به دولت برای انجام اقدامات فوری و ضروری، گم نکردن قطبهای حرکت و شناخت دشمن واقعی است. حمله به بیمار و قربانی ویروس، حمله به درمانگاه و بیمارستان اگرچه نشان استیصال است اما ارتجاعی و ضد انسانی است. مانند احتکار وسائل بهداشتی و سکوت دولت در ارائه اطلاعات کثیف و جنایتکارانه است. اقداماتی از این دست تنها به تخریب تمایلات انسانی، به تقویت محلی گری و ناسیونالیسم و فاشیسم، به نیروهای فوق ارتجاعی میدان میدهد. حمله به بیمار و بیمارستان و کادر پزشکی و اشاعه محلی گری، فقط به جمهوری اسلامی و بنیان این وضعیت خدمت میکند، به ارتجاع و فاشیسم نیرو میدهد و تا قتل عامهای دستجمعی یکقدم فاصله دارد. هوشیار باشیم، امروز جامعه در این شرایط ویژه، نیازمند یک همبستگی انسانی قدرتمند است. من، تو، ما مسئولیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

کار را متوقف می کنیم!

آینده از آن ماست، دستجمعی خودکشی نمی کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف می کنیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نباید گذاشت کسی گرسنه بماند!

تامین معیشت و حقوق پایه مردم وظیفه مستقیم دولت است. در دوره بحرانی کنونی این وظیفه بی اما و اگر است. باید رژیم را موظف به تامین معیشت مردم کرد. نهادهای همیاری، که اینروزها نماد نعدوستی و همبستگی انسانی اند، نباید بگذارند کسی بدون غذا و نیازهای اولیه بماند. در هر کوی و برزن بداد همسایه و سالمندان و محرومان برسیم. نیازهای غذائی و بهداشتی را به طرق مختلف تامین و توزیع کنیم. مبتکرانه راه های کمک رسانی را پیدا کنیم و به همدیگر اطلاع دهیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!